The Institutional Role of Museums in Conserving Cultural Heritage

Mohammad Hekmat

Museologist and Adjunct Professor, Art University of Isfahan, Iran.

Abstract

This essay examines the institutional role of museums in preserving cultural heritage. Focusing on the evolution of museology worldwide and local-cultural features as well, it demonstrates that the concept of conserving cultural heritage extends beyond the physical preservation and restoration of museum objects. Museums, as social institutions, have a broad responsibility to conserve the cultural and social values of artifacts. By emphasizing the importance of a holistic approach to cultural heritage, this essay shows that the preservation of a museum object is not limited to technical actions, but also includes understanding its cultural and social values, appropriate interpretation, and connection with the community. Moreover, the importance of education and public awareness about cultural heritage to create a sense of belonging and sustainable preservation is emphasized.

Keywords:

Knowledge of Conservation and Restoration

Vol. 4(4) No.10

March 2022

https://kcr.richt.ir

Pages: 74 o 79

Corresponding Author

Mohammad Hekmat

Museologist and Adjunct Professor, Art University of Isfahan, Iran.

Email

mohamad.hekmat@gmail.com

Copyright © 2020,Knowledge of Conservation and Restoration. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0. International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

جایگاه نهادِ موزه در حفظ میراث فرهنگی

محمد حکمت

موزه شناس و استاد مدعو گروه موزه و گردشگری دانشگاه هنر اصفهان.

چکیده

بازخوانی مواجهۀ آدمی با تاریخ نشان می‌دهد، انسان به‌صورت غریزی با گردآوری، جستجو و توسل به شکوه گذشته به دنبال تثبیت جایگاه و موقعیت خود در آینده است. اشتیاق به شکوه گذشته با مدرنیته و نگاه انسان‌مدار اروپایی میل به حفاظت از آثار تاریخی را افزایش داد و موجب شد آثار گذشتگان رفته و رفته گردآوری و در مکان‌هایی با نام موزه نگهداری شوند. از اواسط دوره قاجار به واسطۀ سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا، این رویکرد وارد ایران شد و به آرامی نوع مواجهه با گذشته و آثار تاریخی را دگرگون ساخت. در روزگار بعد، در پروژه‌های مدرن‌سازی و جنبش ملی‌گرایی، موزه نماد تمدن و تجدد شد و بستری برای گردشگری فراهم ساخت. به‌صورت کلی و در سطح جهانی، رویکرد اروپا محور، بیش از زمینه و ضرورتی که میراث فرهنگی به آن تعلق داشت، بر کالبد فیزیکی آثار میراثی متمرکز بود. بازتاب این نگرش در موزه‌ها عدم توجه به ارزش‌های اشیائی بود که با عنوان «اثر موزه‌ای» بر میراث فرهنگی دلالت داشتند. جنبش‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی دهه شصت و هفتاد میلادی، نگرش موزه‌داری را تغییر دادند. در این زمان جایگاه نهادی موزه بر پایۀ مسئولیت اجتماعی آن قوت گرفت. اهمیت ارتباط موزه و جامعه سبب شد که ساختار کارکردی موزه بر مبنای بعد اجتماعی آن متحول شود. در این یادداشت وجوه مختلف موزه در جایگاه نهادی اجتماعی از منظر حفاظت از میراث فرهنگی بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: صخره‌نبشته، قراجه‌لو، اورارتو، آرگیشتی.

فصلنامه دانش حفاظت و مرمت

سال چهارم، شماره ۴
شماره پیاپی ۱۰، زمستان ۱۴۰۰

https://kcr.richt.ir

صفحات: ۷۴ تا ۷۹

نویسنده مسئول

محمد حکمت

موزه شناس و استاد مدعو گروه موزه و گردشگری دانشگاه هنر اصفهان.

رایانامه

mohamad.hekmat@gmail.com

دسترسی به این مقاله برای همگان آزاد است. هرگونه استفاده غیرتجاری از آن در صورت ارجاع مناسب، مجاز شناخته می‌شود.

مقدمه

بازخوانی مواجههٔ آدمی با تاریخ نشان می‌دهد، انسان به‌صورت غریزی با گردآوری، جستجو و توسل به شکوه گذشته به دنبال تثبیت جایگاه و موقعیت خود در آینده است. اشتیاق به شکوه گذشته با مدرنیته و نگاه انسان‌مدار اروپایی میل به حفاظت از آثار تاریخی را افزایش داد و موجب شد آثار گذشتگان رفته و رفته گردآوری و در مکان‌هایی با نام موزه نگهداری شوند. از اواسط دوره قاجار به واسطهٔ سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا، این رویکرد وارد ایران شد و به آرامی نوع مواجهه با گذشته و آثار تاریخی را دگرگون ساخت. در روزگار بعد، در پروژه‌های مدرن سازی و جنبش ملی‌گرایی، موزه نماد تمدن و تجدد شد و بستری برای گردشگری فراهم ساخت. به‌صورت کلی و در سطح جهانی، رویکرد اروپا محور، بیش از زمینه و ضرورتی که میراث فرهنگی به آن تعلق داشت، بر کالبد فیزیکی آثار میراثی متمرکز بود. بازتاب این نگرش در موزه‌ها عدم توجه به ارزش‌های اشیائی بود که با عنوان «اثر موزه‌ای» بر میراث فرهنگی دلالت داشتند. جنبش‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی دهه شصت و هفتاد میلادی، نگرش موزه‌داری را تغییر دادند. در این زمان جایگاه نهادی موزه بر پایهٔ مسئولیت اجتماعی آن قوت گرفت. اهمیت ارتباط موزه و جامعه سبب شد که ساختار کارکردی موزه بر مبنای بعد اجتماعی آن متحول شود. در این یادداشت وجوه مختلف موزه در جایگاه نهادی اجتماعی از منظر حفاظت از میراث فرهنگی بررسی می‌شود.

مسئلهٔ حفاظت آثار فرهنگی در موزه

نظام‌های ارزشی در تمدن‌های آسیایی عمیقاً تحت تأثیر عقاید مذهبی و فرهنگی جامعه است. سنت مواجهه با آثار فرهنگی در جوامع کهنی مانند ایران، هند، چین و ژاپن به نحوی است که اثر فرهنگی از طریق مناسبات و ارتباطی که در زندگی ایجاد می‌کند، تعریف می‌شود. بدان معنا که کالبد اثر فانی است و جایگاه و روابط آن در زندگی اهمیت دارد. در گذشته، اگر مواد تشکیل دهندهٔ اثر فرهنگی رو به زوال می‌رفت، با مواد جدید جایگزین می‌شد. برای مثال یک کتاب خطی پوسیده، دوباره کتابت می‌شد یا در چوبی تاریخی مسجد اگر به دلیل فرسودگی قابل استفاده نبود آن را با مواد جدید بازسازی می‌کردند. آنچه از در قدیمی یا نسخه خطی پوسیده باقی می‌ماند تداوم کاربرد آن و اهمیت جایگاه آن در زندگی بود.

اعتقاد به اینکه دیدارکنندگان می‌بایست اشیاء را تحسین کرده اما آن‌ها را لمس نکنند، دستاورد موزه است. امروزه اقدامات حفاظتی بر روی آثار موزه‌ای و پیرامون آن‌ها با هدف به حداقل رساندن عوامل آسیب‌رسان و حفظ کالبد مجموعه‌های موزه‌ای انجام می‌شود. حال بر مبنای تحولات موزه‌ها در سطح جهانی و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه در رویارویی با اثر فرهنگی، چگونه مفهوم میراث فرهنگی و حفظ آن در موزه شناسی نوین تعریف می‌شود؟ آیا حفاظت از یک اثر فرهنگی به معنای حفظ مواد تشکیل دهنده و کالبد آن است؟ امروز جایگاه نهاد موزه چه تأثیری بر حفاظت از میراث فرهنگی دارد؟

مفهوم حفاظت (محافظت) بر مبنای جایگاه نهادی موزه

ماهیت مؤسسه‌ای و نهادی که امروز در موزه‌ها شناخته می‌شود در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شکل گرفت، زمانی که مجموعه‌های ملی برای راه‌اندازی موزه‌های ملی در کشورهایی که به دلیل مستعمره شدن استقلال خود را از دست داده بودند، گردآوری شدند. بعدها تحولات اجتماعی و سیاسی موجب تغییر نگرش به موزه در سطح جهانی شد. برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ عنوان نهاد (Institution) توسط شورای جهانی موزه‌ها در تعریف موزه مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌ترین تحول در نهادسازی موزه در موزه شناسی جدید، جایگاه مخاطب و نقش اجتماعی موزه‌ها در جامعه است. تغییر رویکرد از شیء محوری به مخاطب محوری در دههٔ هشتاد و نود میلادی که کلیه مفاهیم موزه را بر مبنای بعد اجتماعی و

مشـارکتی آن دگرگـون سـاخت و همچنـان ادامـه دارد (Mairesse, 2023).

مفهـوم حفـظ و نگاهداشـت در مـوزه را می‌بایسـت در جایـگاه نویـن مـوزه بـررسی نمـود. تعریـف مـوزه توسـط شـورای جهـانی مـوزه به‌عنـوان تعریـفی جهان‌شـمول قابـل ارجـاع اسـت. متأسـفانه هنـوز تعریـف مـلی بـرای موزه‌هـا در ایـران تدویـن نشـده اسـت. بـدان معنـا کـه پدیـدۀ مـوزه هنـوز در سـاحت فرهنـگ ایـرانی جـای نگرفتـه اسـت. در آخریـن تعریـف شـورای جهـانی موزه‌هـا در سـال ۲۰۲۲، مـوزه چنیـن توصیـف می‌شـود: «مـوزه نهـادی دائـمی و غیرانتفـاعی در خدمـت جامعـه اسـت کـه بـه پژوهـش، جمـع‌آوری، حفـظ، تفسیـر و نمایـش میـراث ملمـوس و ناملمـوس می‌پـردازد. موزه‌هـا بـه روی عمـوم بـاز بـوده، قابـل دسـترس و فراگیـر هسـتند و تنـوع و پایـداری را تقویـت می‌کننـد. آن‌هـا بـا مشـارکت اجتماعـات به‌صـورت تخصـصی و بـر مبنـای اخلاق حرفـه‌ای ارتبـاط برقـرار کـرده و فعالیـت می‌کننـد و تجربیـات متنـوعی را بـرای آمـوزش، لـذت، تفکـر و تبـادل دانش ارائـه می‌دهنـد.» (Museum Definition, 2022).

آنچـه از تعریـف مـوزه دربـارۀ حفاظـت از میـراث فرهنـگی اسـتنباط می‌شـود در دو صـورت معنـایی فهمیـده می‌شـود: نخسـت حفـظ میـراث فرهنـگی مبتـنی بـر اقدامـات حفاظـتی کـه بـر کالبـد و شـرایط محیـطی آثـار اثـر می‌گـذارد. صـورت دیگـر حفاظـت معطـوف بـه جایـگاه مـوزه به‌عنـوان «نهـاد» اسـت. بـدان معنـا کـه نهـاد مـوزه در مشـارکت بـا اجتماعـات به‌صـورت فراگیـر ارتبـاط برقـرار می‌کنـد. بـه بیـان دیگـر، اگـر مـوزه را بـه مثابـه نهـادی در نظـر بگیریـم کـه محصـول آن ارائـۀ خدمـات از درگاه میـراث فرهنـگی بـه جامعـه اسـت، کارکـرد حفاظـت رابطـۀ مسـتقیمی بـا بقیـه کارکردهـای مـوزه یعـنی پژوهـش، جمـع‌آوری، تفسیـر و نمایـش دارد. از زمـانی کـه بـا هـر پیـش فـرضی اثـر وارد مـوزه می‌شـود؛ فراینـد حفظ اثـر آغاز شـده و در مراحل مستندسـازی، درمـان (در صورت نیـاز)، پژوهـش، نمایـش و معـرفی حضـور دارد و با حفاظت پیشـگیرانه ادامـه می‌یابـد. حفاظـت در معنـای گسـترده فعالیـتی اسـت نامحـدود و همیشـه بـا دیگـر فعالیت‌هـای مـوزه مرتبـط اسـت. گاهی تصـور می‌شـود کـه حفاظـت تنهـا توسـط مرمّتگـران (کارشناسـان حفاظـت و مرمـت) انجـام می‌شـود ولی این‌گونـه نیسـت زیـرا به‌طـورکلی حفاظـت صرفـاً به‌عنـوان معـادل فعالیت‌هـای حفاظـتی (بـه معنـای تخصـص حفاظـت و مرمـت) بـه کار بـرده نمی‌شـود. در واقـع کنـشی کـه مرمّتگـران انجـام می‌دهنـد بخـشی از حفاظـت در معنـای گسـترده اسـت (Muūoz, 2005).

میراث فرهنگی (اثر موزه‌ای) به مثابه یک کلِ منسجم

آنچـه در تعریـف مـوزه به‌عنـوان میـراث فرهنـگی مـد نظر اسـت به‌صـورت میـراث ملمـوس و ناملمـوس ذکـر شـده اسـت. رویکـرد کل‌نگـر در حفاظـت و معـرفی اثـر میـراثی بـه معنـای فهـم میـراث ملمـوس در بسـتر وسیع‌تـر از کالبـد آن اسـت. به‌نحوی‌کـه بتـوان مناسـبات و ارتباطـات آن را بـا جوامـع مربوطـه بـرای توجـه بیشـتر بـه وجـوه ناملمـوس، ارزش‌هـای معنـوی و اجتماعی–سیـاسی آن در نظـر گرفـت. (Bouchenaki, Vol. 2, Year: 2007) در منشـور اخلاقی شـورای جهـانی موزه‌هـا نیـز بـه ارتبـاط موزه‌هـا بـا جوامـعی کـه خاسـتگاه مجموعه‌هایشـان هسـتند بدیـن شـرح توصیـه شـده اسـت: «موزه‌هـا در همـکاری نزدیـک بـا جوامـعی کـه مجموعه‌هـای آن‌هـا از آنجـا نشـئت می‌گیـرد و جوامـعی کـه بـه آن‌هـا خدمـت می‌کننـد، فعالیـت می‌کننـد.» (Code of Ethics, 2023).

در بـرخی از موزه‌هـای ایـران، نمایـش و حفاظـت آثـار، بهره‌بـرداری از میـراث ملمـوس محسـوب می‌شـود و برگـزاری مراسـم آئیـنی، رقـص محـلی و موسیـقی به‌صـورت مسـتقل از اثـر مـوزه‌ای در راسـتای توجـه بـه میـراث ناملمـوس در نظـر گرفتـه می‌شـود. ایـن نـگاه حاصـل نـوعی جداسـازی و تفکیـک در مفهـوم فرهنـگ اسـت کـه در خوشـبینانه‌ترین حالـت تنهـا یـک وجهـۀ اثـر فرهنـگی مـورد توجـه خواهـد بـود. اگـر اثـری میـراث ملمـوس تعریـف شـود ارزش‌هـای ناملمـوس آن کـه بخـش جـدایی ناپذیـر اثـر محسـوب می‌شـود، مهجـور خواهـد مانـد. بـه دیگـر سـخن، یکپارچـگی در معنـای اثـر مـوزه‌ای گسسـته می‌شـود.

به‌عنـوان مثـال معنـای قـالی در فرهنـگ ایـرانی مجموعـه‌ای از مناسـبات و ارتباطـات اسـت کـه در پیونـد بـا خاسـتگاه فـرش تعریـف می‌شـود. از پشـم ریـسی،

رنگرزی، دار بستن، چله‌کشی، نقشه‌خوانی، فنون قالی‌بافی تا سنت‌ها، قصه‌ها و مؤلفه‌های اقلیمی که در استفاده و مراقبت از قالی در فرهنگ ایرانی وجود دارد و همچنین ارتباطی موضوعی، عاطفی و معنوی که ممکن است با بافنده و یا صاحب قالی وجود داشته باشد، بخشی از معنای فرش ایرانی محسوب می‌شود. حال آیا می‌توان اقدامات حفاظتی در موزه را صرفاً بر جسم و کالبد فرش در نظر گرفت و کارکرد موزه بر جسم فرش محدود شود؟ آیا می‌توان وجوه ملموس و ناملموس فرش را در معرفی و حفاظت آن تفکیک نمود؟ بی‌شک، تمامی موارد ذکر شده، مبین اهمیت و اصالت فرش ایرانی است. به دیگر سخن حفظ و نگاهداشت فرش در موزه در واقع مراقبت از تمامی وجوه و ارزش‌های آن است؛ زیرا موزه به‌مثابهٔ یک نهاد، امکان و جایگاه لازم را از منظر سیاست‌گذاری برای مراقبت و برانگیختن توجه نسبت به همهٔ ارزش‌ها و اهمیت فرش دارد.

حفاظت بر مبنای اهمیت و ارزش آثار موزه‌ای

هدف اولیه حفاظت از میراث فرهنگی، حفظ و مراقبت از ارزش‌ها بود. برونو زوی منتقد و معمار ایتالیایی در کتاب میراث دشوار از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی اثر میراثی به‌عنوان «روح اثر» یاد می‌کند. وی معتقد است فرایند حفاظت از اثر میراثی می‌بایست با فهم دقیق اهمیت فرهنگی و اجتماعی اثر همراه شود و هدف، نگاهداشت روح اثر میراثی است (Zevi, 1977). تقریباً در هر اقدام حفاظتی شناخت ارزش‌های آثار میراثی، ارزیابی آن‌ها، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بر ارزش‌ها اهمیت دارد. در واقع حل معمای ارزش بخش اصلی مدیریت حفاظت است. اگرچه جایگاه ارزش در شیوهٔ حفاظت و گسترهٔ ارزش‌های اثر میراثی، همچنان در حال تحول است (Avrami & Mason, 2019). در ادبیات موزه‌شناسی، نگاهداشت و معرفی دانش و اطلاعات مرتبط به زیست جهان و خاستگاه اثر موزه‌ای، بخشی از فعالیت موزه در مدیریت مجموعه‌ها محسوب می‌شود. رویکرد حفاظت مبتنی بر ارزش بدین گونه است که نخست ارزش‌های مجموعه‌های موزه شناخته شده و سپس عوامل آسیب‌رسان به کاهش ارزش مجموعه‌ها یا خطرهای تهدید کننده تحلیل می‌شود. مرحله بعدی ارزیابی ارزش از منظر کاهش آن با هدف تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی اقدامات حفاظتی است و در نهایت نیز طرح‌ریزی برنامهٔ حفاظت بر اساس نتایج ارزیابی است. حفاظت به واسطهٔ افزایش ارزش یا کاهش خسارت به کمترین سطح، نقش مهمی در مراقبت مجموعه‌ها در نهادِ موزه دارد (Brokerhof, 2006).

از آگاه‌سازی تا نگاهداشت مردمی میراث فرهنگی

اثری به‌جامانده از گذشتهٔ دور، زمانی برای انسان امروز ارزشمند و قابل احترام است که در افق آگاهی وی فهمیده شود. کارکرد تفسیر (Interpretation) نقش اساسی در ارتباط میان جامعه و موزه ایفا می‌کند. تفسیر در موزه شرح معانی آثار موزه‌ای و طرح‌ریزی تجربه بازدید برای دیدارکنندگان است. در فرایند تفسیر نوعی آشکارسازی معنا رخ می‌دهد که بازدیدکنندگان را به درک، سپس احترام و در نهایت، حفاظت و نگهداری از میراث موردنظر خود سوق می‌دهد (Mairesse, 2023). به بیان دیگر، کارکرد آموزشی موزه سبب ارتقاء آگاهی دیدارکنندگان درباره اهمیت میراث فرهنگی و تعلق خاطر به آن می‌شود. تعلق خاطر به میراث فرهنگی بینشی است در تصمیم سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب مسیرها که در احوال و کیفیت زندگی عیان می‌شود و هویت انسان را شکل می‌دهد. تفسیر و آموزش در موزه ابتدا جایگاه میراث فرهنگی را در زندگی نشان می‌دهد، سپس زمینه‌ای بلند مدت برای درک ارزش‌ها و تعلق خاطر به آن به وجود می‌آورد که نگاهداشت مردمی میراث فرهنگی را در پی خواهد داشت.

سخن پایانی

با توجه به تغییر نگرش در چیستی موزه و برجسته شدن مسئولیت اجتماعی آن به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، امروزه موزه‌ها می‌توانند نقش تأثیرگذاری در پایداری فرهنگی، افزایش آگاهی عمومی، حمایت از پروژه‌های پژوهشی و خلق دانش برای حفظ ارزش‌های جامعه و زیست بوم برای نسل‌های آینده داشته باشند.

موزه بر مبنای ساختار نهادی خود بستر مناسبی برای حفظ و نگاهداشت میراث فرهنگی فراتر از اقدامات حفاظتی متمرکز بر جسم و کالبد آثار است. کارکردهای موزه در ارتباط با هم معنا پیدا می‌کنند. میراث فرهنگی مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای متشکل از ارزش‌های متعدد است که اهمیت و هویت اثر فرهنگی را آشکار می‌کند. راهبرد کل نگر و شناخت و تحلیل ارزش‌ها نقش حیاتی در تصمیم‌گیری حفاظتی خواهد داشت. کارکرد تفسیر و رویکرد یادگیری آزاد در موزه‌ها سبب ارتقاء آگاهی دیدارکنندگان می‌شود که در بلند مدت موجب جریان سازی فرهنگی در جامعه شده و نگاهداشت مردمی میراث فرهنگی را در پی خواهد داشت.

موزه‌ها خط اول مواجههٔ جامعه با میراث فرهنگی هستند و امروزه به‌عنوان مرجعی با قدرت نرم شناخته می‌شوند که می‌توانند در جهت دهی‌های اجتماعی، دیپلماسی فرهنگی و تبیین یک اندیشه در جوامع تأثیرگذار باشند. حال‌آنکه چگونه از امکان‌ها و ظرفیت‌های موزه برای حفاظت از میراث فرهنگی بهره‌برداری کنیم به متولیان موزه‌ها بستگی دارد. آیا انتظار می‌رود موزه تنها به مکانی برای حفظ کالبد اشیاء محدود شود، یا اینکه با سیاست‌گذاری‌های درست و تصمیم‌گیری‌های مناسب، به بستری برای ایجاد ارتباطی پویا با جامعه تبدیل شود، آگاهی دیدارکنندگان را در زمینهٔ موضوعی موزه را افزایش دهد، برای نیازهای امروز مردم پاسخی فرهنگی ارائه دهد و در نهایت به توسعه جامعه به سمت رفاه و کمال کمک کند.

منابع

Avrami, E., & Mason, R. (2019). Mapping the Issue of Values. In E. AVRAMI, S. MACDONALD, R. MASON, & D. MYERS (Eds.), Values in Heritage Management: Emerging Approaches and Research Directions (pp. 23-47). Los Angeles: The Getty Conservation Institute.

Bouchenaki, M. (Vol. 2, Year: 2007). A Major Advance towards a Holistic Approach to Heritage Conservation: the 2003 Intangible Heritage Convention. International Journal of Intangible Heritage, 105-109.

Brokerhof. (2006). Collection risk management – The next frontier. Paper presented at the CMA Cultural Property Protection Conference. Ottawa, Ontario, Canada. Retrieved from http://www.cultureelerfgoed.nl/sites/default/files/documenten/downloads/2006_CMA_Next

Code of Ethics. (2023). Retrieved from International Council of Museums: https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/code-of-ethics/

Mairesse, F. (2023). Dictionary of Museology. (F. Mairesse, Ed.) Abingdon: Routledge.

Muūoz, V. (2005). Contemporary Theory of Conservation. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann.

Museum Definition. (2022, August 24). Retrieved 2023, from ICOM: https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/museum-definition/

Zevi, B. (1977). Difficult Heritage. London: Thames&Hudson.